



## بررسی نقش عوامل فردی و ترویجی در توسعه خود اشتغالی زنان روستایی استان زنجان

شیرین سلطانی<sup>۱</sup>، محمد بادسار<sup>۲</sup>، سهیلا فتحی<sup>۳</sup>

### چکیده

امروزه یکی از معیارهای مهم برای سنجش درجه توسعه یافتگی یک کشور، اشتغال زنان است. اشتغال زنان می‌تواند امکان بهره‌گیری بهتر جامعه از این نیروی کار بالقوه را فراهم آورده و زمینه‌ساز توسعه جوامع روستایی باشد. لذا شناسایی عوامل مؤثر بر اشتغال زنان از اهمیت بالایی برخوردار است. از این رو این مطالعه با هدف بررسی نقش عوامل فردی و ترویجی مؤثر بر توسعه خود اشتغالی زنان روستایی در استان زنجان انجام گرفت. جامعه آماری این تحقیق زنان روستایی استان زنجان بودند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده نمونه مورد نظر از سطح روستاهای سه شهرستان شامل زنجان، خدابنده و ابهر انتخاب گردید. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار G.Power برابر با ۱۸۸ نفر تعیین گردید. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسشنامه‌ای بود. روایی ظاهری و محتوایی ابزار تحقیق با استفاده از نظر متخصصان موضوعی مورد تایید قرار گرفت. به منظور بررسی پایایی ابزار مورد نظر پیش آزمون انجام گردید و ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد و مقدار آن برای متغیرهای تحقیق بین ۰/۹۱ و ۰/۹۶ بدست آمد که نتایج ضرایب حاصل حاکی از پایایی خیلی خوب ابزار بود. یافته‌های تحقیق بر اساس رگرسیون لجستیک نشان داد میان عوامل فردی (شامل: سطح تحصیلات و سطح ریسک‌پذیری) و عوامل ترویجی (شرکت و نگرش نسبت به دوره‌های آموزش و ترویجی) با خود اشتغالی زنان روستایی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

**واژه‌های کلیدی:** زنان روستایی، خوداشتغالی، عوامل ترویجی، توسعه، استان زنجان.

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه زنجان  
<sup>۲</sup> استادیار گروه ترویج، ارتباطات و توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی دانشگاه زنجان  
<sup>۳</sup> دانش‌آموخته توسعه روستایی دانشگاه زنجان



## مقدمه

امروزه در کشورهای در حال توسعه جمعیت در حال افزایش است، لذا با توجه به آمارهای بدست آمده از سال ۲۰۰۰ میلادی، با افزایش جمعیت، نرخ بیکاری افزایش یافته و در نتیجه توسعه ملی را در معرض خطر قرار داده است (Heilman & Chen, ۲۰۰۳). همچنین براساس این آمارها حدود ۵۰ درصد از جامعه جهانی را زنان تشکیل می‌دهند بنابراین زنان می‌توانند نقش بسیار مؤثری را در توسعه داشته باشند بخصوص در روستاها که زنان روستایی بعنوان قشر بسیار فعال، نه تنها در امور مربوط به خانه بلکه در امور خارج از منزل نیز نقش مستقیم و غیرمستقیم را در فعالیت‌های کشاورزی و غیر کشاورزی دارند (شنگلی نجف آبادی و خسروی پور، ۱۳۹۱). با توجه به گزارشات سازمان ملل متحد، زنان روستایی در کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه، دو برابر مردان در امور کشاورزی فعالیت دارند (دیو سالار و همکاران، ۱۳۹۱)، از طرف دیگر در کشور ایران زنان روستایی از سن ۱۰ سال به بالا در بخش کشاورزی و منابع طبیعی فعالیت خود را شروع می‌کنند (علی بیگی و همکاران، ۱۳۹۱) اما با این وجود، آنان بعنوان عناصر حاشیه‌ای بشمار می‌آیند زیرا در قبال کار خود مزدی دریافت نمی‌کنند در نتیجه کار آنان به عنوان کار پنهان تلقی می‌شود (تکریمی نیاراد، ۱۳۹۱) و این بعلت عدم وجود مهارت‌های کارآفرینانه برای خوداشتغالی زنان روستایی در زمینه‌های غیرکشاورزی می‌باشد اما می‌توان با توانمندسازی آنان و کارآفرینی، بیکاری و مهاجرت را کاهش داده و سبب توسعه روستایی شد (Jia et al., ۲۰۱۳; Mahmud et al., ۲۰۱۳; Wang et al., ۲۰۱۱). از طرف دیگر دولت می‌تواند از طریق کانال‌های رسمی و غیر رسمی در بین خانوارهای روستایی نفوذ کرده و با حمایت‌های مالی، نهادی/سازمانی و آموزشی خود، امر توسعه روستایی را میسر سازد و اعتبار خود را در بین جامعه محلی افزایش دهد البته دولت باید حدود نیمی از خدمات خود را به زنان روستایی برای توسعه روستایی اختصاص دهد زیرا فرآیند توسعه روستایی با امر کارآفرینی زنان روستایی و خوداشتغالی آنان نیز امکان پذیر می‌باشد (Linghui & Hare, ۲۰۱۳; Mar, ۲۰۰۵). مهمترین عوامل تأثیرگذار در توسعه کارآفرینی زنان روستایی عوامل فردی و خانوادگی از قبیل سن، پایین بودن سطح تحصیلات، داشتن مسئولیت‌های متعدد در خانواده، سوگیری جنسیتی در خانواده (Saridakis et al., ۲۰۱۴) عدم دسترسی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی/ترویجی و عوامل نهادی/سازمانی می‌باشد (یعقوبی فرانی و موحدی، ۱۳۹۱؛ یعقوبی فرانی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به مطالعات مشیری و همکاران (۱۳۸۸)، مهمترین متغیر برای مشارکت زنان روستایی در خوداشتغالی و توسعه، سطح سواد می‌باشد بدین صورت که میزان سواد زنان روستایی با میزان کسب درآمد آنان رابطه منفی و معکوس دارد، به عبارت دیگر زنان باسواد به فعالیت‌های تولیدی و بازاریابی در روستاها علاقه‌ای ندارند و بالعکس. با توجه به نتایج بدست آمده از مطالعات عنابستانی و همکاران (۱۳۹۱)؛ حیدری (۱۳۹۲)؛ احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰)، دریافت شد که عوامل فردی از قبیل سطح سواد، وضعیت تأهل و تعداد فرزندان، تأثیر زیادی در مشارکت زنان روستایی برای توسعه خوداشتغالی دارند و حیدری (۱۳۹۲) بیان کرد که زنان روستایی متأهل حدود ۷۵ درصد و مجردان تنها ۲۵ درصد در توسعه خوداشتغالی و روستایی نقش دارند. از این رو قنبری و همکاران (۱۳۹۱) همین موضوع را در مطالعات خود مورد بررسی قرار دادند و بیان کردند که بین شرکت در کلاس‌های آموزشی و سن با میزان مشارکت زنان روستایی در خوداشتغالی و توسعه رابطه دارد، همچنین بین متغیر سواد با میزان مشارکت آنان در توسعه خوداشتغالی رابطه معکوس وجود دارد. علاوه بر عوامل فردی، عوامل ترویجی از قبیل برگزاری دوره‌های آموزشی نیز در میزان مشارکت زنان روستایی مؤثر می‌باشد که زنان روستایی بعلت موانع فردی بیان شده انگیزه مشارکت در این کلاس‌ها را ندارند. همچنین این کلاس‌ها در برخی مواقع متناسب با نیازهای زنان روستایی برگزار نمی‌شوند که در مطالعات مرید سادات و همکاران (۱۳۸۹)، این دوره‌ها با توجه به علایق زنان روستایی اولویت بندی شد، در درجه اول آنان خواستار برگزاری آموزش‌های مرتبط با بهداشت، خانه‌داری، اقتصاد منزل و مهارت‌های خیاطی بودند و در نهایت علاقه آنان به مشارکت در آموزش‌های دامداری، صنایع تبدیلی و غیره مشاهده شد. علی بیگی و بنی عامریان (۱۳۸۷) در پژوهش‌های خود نشان دادند که از مهمترین دلایل مشارکت برخی زنان روستایی در این برنامه‌ها دریافت امکانات، کسب درآمد، افزایش تولید، گرفتن مدرک و رقابت می‌باشد و از مهمترین دلایل عدم مشارکت برخی از آنان تقدیرگرایی، عدم تناسب برنامه‌های آموزشی با نیازهای زنان روستایی، تبعیض‌های جنسیتی و عدم اطلاع رسانی مناسب درخصوص زمان و مکان برگزاری کلاس‌ها می‌باشد. مشارکت زنان روستایی در این دوره‌ها و افزایش مهارت آنان و سپس ورود آنان به کسب و کارهای کوچک، اولین و مهمترین قدم در جهت امر توسعه روستایی می‌تواند باشد (Mohapatra et al., ۲۰۰۷) لذا وجود شبکه‌های اجتماعی



برای اطلاع رسانی به زنان روستایی و استفاده از آموزش‌های مجازی، موانع و هزینه‌ها را کاهش داده و سبب افزایش خوداشتغالی زنان روستایی می‌شود (Yueh, ۲۰۰۹).

## مواد و روش

این تحقیق از نظر ماهیت از نوع کمی، از نظر هدف کاربردی است. از لحاظ شیوه گردآوری اطلاعات، تحقیق توصیفی-تحلیلی است که در آن از روش کار میدانی (پیمایشی) استفاده شد. اطلاعات مورد نیاز در بخش نظری بر اساس مطالعه کتابخانه‌ای و با مراجعه به پایگاه‌های اینترنتی معتبر جمع‌آوری شد. همچنین به منظور بررسی نقش عوامل فردی و ترویجی در توسعه خوداشتغالی زنان روستایی استان زنجان از ابزار پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری این تحقیق زنان روستایی استان زنجان بودند. نمونه تحقیق به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام گردید که طی آن ابتدا سه شهرستان زنجان، خدابنده و ابهر انتخاب سپس از هر شهرستان یک دهستان و نهایتاً از هر دهستان چند روستا انتخاب شدند و در سطح روستا به روش کاملاً تصادفی نمونه مورد نظر انتخاب گردید (N=۱۸۸). بمنظور حصول اطمینان از مناسب بودن ابزار اندازه‌گیری برای شرایط و جامعه مورد نظر اعتبار و اعتماد ابزار اندازه‌گیری به دقت مورد بررسی قرار گرفت. در همین راستا اعتبار ظاهری و محتوایی ابزار تحقیق بر اساس نظر افراد متخصص و صاحب‌نظر در زمینه تحقیق تعیین گردید. همچنین یک پری تست اولیه در میان جامعه‌ای مشابه جامعه تحقیق بمنظور تعیین قابلیت اعتماد (اطمینان) ابزار تحقیق اجرا گردید و با استفاده از آلفای کرونباخ نسبت به تعیین میزان اعتماد (اطمینان) اقدام شد. مقادیر آلفای کرونباخ محاسبه شده برای متغیرهای سطح ریسک پذیری، نگرش نسبت به دوره‌های آموزش و ترویجی و عملکرد سازمانهای ذیربط به ترتیب ۰/۸۵۴، ۰/۸۰۲ و ۰/۷۱۷ بود که حاکی از پایایی مناسب ابزار تحقیق می‌باشد.

## نتایج

### یافته‌های توصیفی

بررسی نتایج توصیفی همانگونه که در جدول ۱ آمده است نشان می‌دهد که از نظر وضعیت تاهل ۳۳ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۷ درصد از آنان متاهل بودند. از نظر سطح تحصیلات ۴۶/۳ درصد پاسخگویان زیر دیپلم، ۴۱/۵ درصد دیپلم و تنها ۴/۸ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند (جدول ۱). میانگین سنی پاسخگویان ۲۹ سال بود. ۴۳/۶ درصد از پاسخگویان شاغل و ۵۶/۴ درصد آنان بیکار یا خانه‌دار بودند.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس ویژگی‌های فردی

متغیر	فراوانی	درصد
وضعیت تاهل	مجرد	۳۳
	متاهل	۶۷
سطح تحصیلات	زیر دیپلم	۴۶/۳
	دیپلم	۴۱/۵
	فوق دیپلم	۷/۴
	لیسانس و بالاتر	۴/۸
گروه‌های سنی	۲۰ سال و کمتر	۱۶
	۲۱-۳۰ سال	۴۸/۴
	بیشینه: ۳۱-۴۰ سال	۲۵
میانگین: ۲۹ سال	۴۱ سال و بالاتر	۱۰/۶
	خود اشتغال (شاغل)	۴۳/۶
وضعیت اشتغال	بیکار	۵۶/۴



## یافته‌های استنباطی

بمنظور بررسی تفاوت در عوامل فردی و ترویجی بر اساس وضعیت اشتغال از  $t$  تست نوع مستقل استفاده گردید. نتایج نشان می‌دهد که از نظر سطح ریسک‌پذیری تفاوت معنی‌داری میان زنان شاغل و بیکار وجود دارد ( $-4/347 = t(186)$ ؛ سطح معنی‌داری =  $0/000$ ) (جدول ۲). نتایج توصیفی در این راستا همانگونه که در جدول (۲) آمده است، نشان می‌دهد که زنان شاغل با میانگین  $2/99$  دارای ریسک‌پذیری بالاتری نسبت به زنان بیکار با میانگین  $2/47$  می‌باشند. همچنین بین زنان شاغل و بیکار بر اساس نگرش به دوره‌های آموزشی و ترویجی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $-8/303 = t(186)$ ؛ سطح معنی‌داری =  $0/000$ ) (جدول ۲). نتایج نشان می‌دهد تفاوت معنی‌داری بین زنان شاغل (خود اشتغال) و بیکار بر اساس ارزیابی عملکرد سازمان‌های ذیربط وجود دارد ( $-5/157 = t(186)$ ؛ سطح معنی‌داری =  $0/000$ ) (جدول ۲).

جدول (۲) نتایج  $t$  تست مستقل بر اساس عوامل فردی و ترویجی

متغیر	گروه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار $t$	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
ریسک‌پذیری	خود اشتغال (شاغل)	۸۲	۲/۹۹	۰/۷۷	-۴/۳۴۷	۱۸۶	۰/۰۰۰
	بیکار	۱۰۶	۲/۴۷	۰/۸۵	-	-	-
نگرش به دوره‌های آموزشی و ترویجی	خود اشتغال (شاغل)	۸۲	۳/۰۷	۰/۹۰	-۸/۳۰۳	۱۸۶	۰/۰۰۰
	بیکار	۱۰۶	۲/۱۴۲	۰/۶۴	-	-	-
عملکرد سازمان‌های ذیربط	خود اشتغال (شاغل)	۸۲	۲/۸۵	۰/۶۵	-۵/۱۵۷	۱۸۶	۰/۰۰۰
	بیکار	۱۰۶	۲/۳۸	۰/۵۷	-	-	-

به منظور بررسی نقش عوامل فردی (شامل سن، سطح تحصیلات و سطح ریسک‌پذیری) و عوامل ترویجی (شامل شرکت در دوره‌های آموزش مهارتی و ترویجی، نگرش نسبت به این دوره‌ها آموزشی و ترویجی و عملکرد سازمان‌های ذیربط)، بر خود اشتغالی یا عدم خود اشتغالی/بیکاری زنان روستایی بعنوان متغیر وابسته از رگرسیون لجستیک استفاده گردید. در این مطالعه با توجه به اینکه متغیر وابسته دارای حالت دو وجهی (خود اشتغالی یا بیکار) بود از رگرسیون لجستیک استفاده گردید. بررسی نتایج نشان می‌دهد که مدل رگرسیونی با توجه به معنی‌داری کای اسکور ( $X^2 = 99/309$  معنی‌داری =  $0/000$ ) از برازش نیکویی مناسبی برخوردار می‌باشد. بررسی نتایج همانگونه که در جدول (۳) آمده است نشان می‌دهد که پاسخگویان بر اساس معادله رگرسیونی در مرحله آخر در سطح مناسبی طبقه بندی شده‌اند.

جدول ۳- وضعیت طبقه بندی پاسخگویان بر اساس معادله رگرسیونی

وضعیت اشتغال	پیش بینی		درصد صحت طبقه بندی
	خود اشتغال	بیکار	
خود اشتغال	۶۲	۲۰	۷۵/۶
بیکار	۱۴	۹۲	۸۶/۸
درصد کل			۸۱/۴



جدول (۴) نتایج ضرایب رگرسیونی، مقادیر  $t$  (Wald test)، و نسبت احتمال و وقوع براساس هر یک از متغیرهای پیشبین (مستقل) را نشان می‌دهد. بررسی نتایج نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیونی در مجموع تبیین کننده ۵۵٪ از تغییرات متغیر وابسته می‌باشند. نتایج رگرسیون لجستیک همانگونه که در جدول (۴) آمده است، نشان می‌دهد که؛

- متغیر سن دارای نقش معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته نمی‌باشد ( $B=0/060$ ، سطح معنی داری =  $0/057$ ).
- سطح تحصیلات دارای نقش مثبت و معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد ( $B=0/592$ ، سطح معنی داری =  $0/029$ ) و نتایج بر اساس ضریب وقوع مورد انتظار نشان می‌دهد که به ازای هر یک واحد افزایش در سطح تحصیلات احتمال خود اشتغالی به اندازه  $1/808$  برابر افزایش می‌یابد.
- سطح ریسک‌پذیری دارای نقش مثبت و معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد ( $B=0/907$ ، سطح معنی داری =  $0/001$ ) و نتایج بر اساس ضریب وقوع مورد انتظار نشان می‌دهد که به ازای هر یک واحد افزایش در سطح ریسک‌پذیری زنان پاسخگو احتمال خود اشتغالی به اندازه  $2/478$  برابر افزایش پیدا می‌کند.
- شرکت یا عدم شرکت در دوره‌های آموزشی و ترویجی دارای نقش مثبت و معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد ( $B=1/554$ ، سطح معنی داری =  $0/002$ ) و نتایج بر اساس ضریب وقوع مورد انتظار نشان می‌دهد که به ازای هر یک واحد افزایش در شرکت زنان پاسخگو در دوره‌های آموزشی و ترویجی احتمال خود اشتغالی به اندازه  $4/728$  برابر افزایش پیدا می‌کند.
- نگرش نسبت به دوره‌های آموزشی و ترویجی دارای نقش مثبت و معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد ( $B=1/493$ ، سطح معنی داری =  $0/000$ ) و نتایج بر اساس ضریب وقوع مورد انتظار نشان می‌دهد که به ازای هر یک واحد افزایش در سطح نگرش پاسخگویان نسبت به دوره‌های آموزشی و ترویجی احتمال خود اشتغالی به اندازه  $4/451$  برابر افزایش پیدا می‌کند.
- نگرش نسبت به عملکرد سازمان‌های ذیربط دارای نقش مثبت و معنی داری در تبیین تغییرات متغیر وابسته می‌باشد ( $B=0/775$ ، سطح معنی داری =  $0/025$ ) و نتایج بر اساس ضریب وقوع مورد انتظار نشان می‌دهد که به ازای هر یک واحد افزایش در سطح نگرش پاسخگویان نسبت به عملکرد سازمان‌های ذیربط احتمال خود اشتغالی به اندازه  $2/172$  برابر افزایش پیدا می‌کند.

جدول ۴- نتایج رگرسیون لجستیک

متغیر	ضرایب رگرسیون (B)	خطای استاندارد (S.E.)	مقادیر $t$ (Wald test)	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری	احتمال و وقوع مورد انتظار Exp(B)
مقدار ثابت	-۱۲/۵۱۴	۲/۰۵۳	۳۷/۱۵۹	۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
سن	۰/۰۶۰	۰/۰۳۰	۲/۸۹۱	۱	۰/۰۵۷	۱/۰۶۲
سطح تحصیلات	۰/۵۹۲	۰/۲۷۲	۴/۷۳۹	۱	۰/۰۲۹	۱/۸۰۸
سطح ریسک‌پذیری	۰/۹۰۷	۰/۲۶۶	۱۱/۶۵۹	۱	۰/۰۰۱	۲/۴۷۸
شرکت در دوره آموزشی ترویجی	۱/۵۵۴	۰/۴۹۱	۹/۹۹۲	۱	۰/۰۰۲	۴/۷۲۸
نگرش به دوره‌های آموزشی و ترویجی	۱/۴۹۳	۰/۳۰۸	۲۳/۴۹۴	۱	۰/۰۰۰	۴/۴۵۱
عملکرد سازمان‌های ذیربط	۰/۷۷۵	۰/۳۴۶	۵/۰۳۲	۱	۰/۰۲۵	۲/۱۷۲

\* میزان واریانس تبیین شده بر اساس Nagelkerke R Square برابر است با ۵۱/۳٪ و بر اساس Cox & Snell R Square برابر است با ۳۸/۱٪.

## بحث و نتیجه‌گیری

زنان بعنوان عامل مؤثر در امور مختلف کشاورزی از نظر مشارکت انسانی مورد نیاز در جامعه، بیشترین سهم را دارند. به گونه‌ای که فعالیت و اشتغال زنان در بخش‌های مختلف منجر به تشدید روند توسعه مناطق روستایی می‌شود. لذا بررسی عوامل مؤثر بر خود اشتغالی زنان روستایی امری ضروری است تا با توجه به اهمیت هر یک از این عوامل، امکان اتخاذ تصمیم درارتباط با فراهم کردن بستر و فرصت‌های مناسب اشتغال



زنان روستایی بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد. با توجه به اهمیت و ضرورت توجه به اشتغال زنان روستایی، تحقیق فوق در راستای بررسی نقش عوامل فردی و ترویجی در توسعه خود اشتغالی زنان روستایی در استان زنجان انجام پذیرفت. نتایج تحقیق نشان داد بین متغیر سن و خود اشتغالی زنان روستایی رابطه معنی داری وجود ندارد. این نتیجه با مطالعه روشنی و ترجمان (۱۳۸۹) همسو نمی‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت زنان روستایی در گروه‌های سنی مختلف دارای قابلیت‌های متعددی می‌باشند که عدم توجه به این مهارت‌ها می‌تواند مانع از بروز استعدادها و مهارت‌های خود اشتغالی آنان شود. همچنین نتایج نشان از وجود رابطه معنی دار بین سطح تحصیلات و شرکت در دوره‌های آموزشی با خود اشتغالی زنان روستایی است. این یافته با نتایج تحقیقات مشیری (۱۳۸۸)، عنابستانی و همکاران (۱۳۹۱)، حیدری (۱۳۹۲)، احمدوند و شریف زاده (۱۳۹۰) و قنبری (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. سطح تحصیلات و شرکت در دوره‌های آموزشی می‌تواند زمینه‌های خود اشتغالی زنان را فراهم کند. در برخی از جوامع زنان به دلیل دستیابی به موقعیت و پایگاه‌های اجتماعی حاصل از تحصیلات، متوجه نقش و توانایی‌های موثر خود در جوامع شده اند لذا اشتغال را عاملی بر حفظ موقعیت خود می‌شناسند. از طرفی در برخی خانوارها که زنان دارای سطح تحصیلات بالایی هستند چنین تداعی می‌شود که خانوار از لحاظ پایگاه اجتماعی در وضعیت مناسبی قرار گرفته که امکان اجازه و فرصت برای اشتغال زنان فراهم شده است لذا افزایش سطح سواد می‌تواند دلیلی بر خود اشتغال این قشر باشد. با توجه به این نکته می‌توان به نقش مهم و تعیین کننده آموزش و پرورش اشاره کرد. با فراهم کردن زمینه‌های تحصیل برای بانوان روستایی، نه تنها امکان مهار رشد بی سواد می‌شود بلکه می‌توان از طریق شناساندن نقش تعیین کننده زنان در اشتغال، پیشرفت و توسعه مناطق روستایی را بطور غیر مستقیم رونق داد. برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب در محیط روستا می‌تواند زمینه‌های مشارکت فعال زنان را فراهم کند. این امر نیازمند توجه مسئولین و دست اندرکاران امر می‌باشد تا با برگزاری دوره‌های آموزشی قابلیت‌ها و مهارت‌های زنان روستایی را در جهت خود اشتغالی زنان روستایی ارتقاء دهند. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه معنی داری بین نگرش به دوره‌های آموزشی و ترویجی با خود اشتغالی زنان بود. به عبارتی زنان با نگرش مساعد نسبت به دوره‌های آموزشی در وضعیت متفاوت تری نسبت به افراد با نگرش منفی، قرار دارند. از نظر زنان برگزاری دوره‌های آموزشی بر حسب نیاز آنان و با محتوی مناسب می‌تواند زمینه‌های خود اشتغالی آنان را فراهم کند. این نتیجه با یافته‌ی سادات (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. از این رو برنامه‌ریزان باید به محتوی دوره‌های آموزشی توجه لازم را داشته باشند تا این دوره‌ها مورد استقبال زنان روستایی قرار گیرد. همچنین با توجه به معنی داری اثر عامل عملکرد سازمان‌های ذیربط از نظر پاسخگویان دقت نظر هرچه بیشتر این سازمان‌ها در راستای سازماندهی، حمایت و ارائه راهنمایی و مشاوره‌های شغلی با توجه به فرآیندهای گوناگون پیچیده راه اندازی کسب و کار برای زنان روستایی مورد پیشنهاد می‌باشد.

## منابع

- احمدوند م و شریف زاده م. (۱۳۹۰). تعیین کننده های مشارکت اجتماعی زنان روستایی. مطالعات اجتماعی/روانشناختی زنان. سال ۹. شماره ۳: ۱۶۶-۱۳۹.
- تکریمی نیاراد م. (۱۳۹۱). آموزش مجازی راهبردی بر توانمندسازی زنان روستایی. مدیریت سرمایه و استعدادهای کشاورزی در پرتو صنعت و تجارت در استان زنجان. صص ۱۱۸-۱۱۴.
- حیدری ع. (۱۳۹۲). بررسی میزان مشارکت زنان روستایی در توسعه روستایی ( نمونه موردی دهستان امام زاده جعفر استان کهگیلویه و بویراحمد). مجله علمی- پژوهشی برنامه ریزی فضایی ( جغرافیا). سال ۳. (۹): ۱۵۶-۱۴۳.
- دیوسالار ا. نقوی م و پایدار ا. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل موانع فعالیت زنان روستایی با استفاده از روش میزان انحراف از اپتیمم ( نمونه موردی روستاهای چهارقلعه شهرستان بهشهر). مطالعات اجتماعی/روانشناختی زنان. سال ۱۰. شماره ۳: ۱۱۰-۸۷.
- روشنی ن و ترجمان ف. (۱۳۸۹). بررسی مهارت های کارآفرینانه زنان روستایی شهرستان ایلام. اولین کنفرانس سالانه مدیریت، نوآوری و کارآفرینی. شیراز.



شنگلی نجف آبادی م و خسروی پور ب. (۱۳۹۱). توانمندسازی و اشتغال زنان روستایی با تأکید بر توسعه پایدار روستایی. اولین کنفرانس ملی راهکار دستیابی به توسعه پایدار در بخش های کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست. تهران: اداره کل پدافند غیرعامل (وزارت کشور)، پژوهشکده سوانح طبیعی، مؤسسه آمو.

علی بیگی ا و بنی عامریان ل. (۱۳۸۷). تحلیل مشارکت زنان روستایی شهرستان سنقر و کلیائی در برنامه های آموزشی- ترویجی (راهبردی در توسعه پایدار روستایی). اولین همایش ملی مدیریت و توسعه کشاورزی پایدار در ایران. شوشتر: مؤسسه عالی علمی و پژوهشی سیمای دانش .

علی بیگی ا. بابایی م و غلامی م. (۱۳۹۱). تحلیل انگیزه های زنان روستایی برای مشارکت در برنامه های آموزشی و ترویجی. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه. سال ۳. شماره ۴: ۱۶۰-۱۳۹.

عنابستانی ع. جوان ج و احمدزاده س. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین ویژگی های فردی زنان و مشارکت آنان در فرآیند توسعه روستایی ( مطالعه موردی دهستان درزآب- شهرستان مشهد). مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای. سال ۳. شماره ۱۲: ۶۱-۷۸.

قنبری ی. حجاریان ا. انصاری ر و کیانی ف. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل و موانع مشارکت زنان روستایی در فعالیت های کشاورزی (مطالعه موردی شهرستان فریدونشهر). مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی. شماره ۲: ۸۷-۷۱.

مرید سادات پ. رضوان فر ا. شعبانعلی فمی ح و پزشکی راد غ. (۱۳۸۹). بررسی محتوایی مناسب سامانه ترویج برای زنان روستایی استان خوزستان. مطالعات اجتماعی/ روانشناختی زنان. سال ۸. شماره ۱: ۵۵-۳.

مشیری ر. مهدوی م و علیایی م. (۱۳۸۸). بررسی نقش سواد و نیروی کار زنان در درآمد خانوار روستایی (مطالعه موردی زنان روستایی دیواندره استان کردستان). جغرافیا و توسعه. شماره ۱۳: ۸۲-۶۹.

نوری ه و علی محمدی ن. (۱۳۸۸). تحلیلی بر فعالیت های اقتصادی زنان روستایی ( مطالعه موردی منطقه برآن- شهرستان اصفهان). مجله جغرافیا برنامه ریزی محیطی. سال ۲۰. (۵): ۱۰۴-۸۷.

همتی وینه ه. عابدی سروستانی ا. عبدالله زاده غ و محبوبی م. (۱۳۹۱). اشتغال خانگی و موانع کسب و کار زنان ( مطالعه ای درباره زنان روستایی شهرستان کرمانشاه). کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب و کارهای دانش بنیان. بابلسر: مراکز سه گانه کارآفرینی، رشد واحدهای فن آوری و ارتباط با صنعت (جامعه) .

یعقوبی فرانی ا و موحدی ر. (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل موانع و محدودیت های توسعه کارآفرینی زنان روستایی در ایران. ماهنامه کا و جامعه، شماره ۱۴۲: ۵۰-۳۸.

یعقوبی فرانی ا. سلیمانی ع. موحدی ر و اسکندری ف. (۱۳۹۲). تأثیر عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی ( مطالعه موردی استان همدان). توسعه کارآفرینی. (۶): ۱۳۴-۱۱۵.



- Jia X., Xiang C. and Huang J. (۲۰۱۳). Microfinance, self-employment, and entrepreneurs in less developed areas of rural China. *China Economic Review*, ۲۷: ۹۴- ۱۰۳.
- Linghui H. and Hare D. (۲۰۱۳). The link between credit markets and self-employment choice among households in rural China. *Journal of Asian Economics*, ۲۶: ۵۲- ۶۴.
- Mahmud S., Shah N. M. and Becker S. (۲۰۱۳). Measurement of Women's Empowerment in Rural Bangladesh. *World Development*, ۴۰(۳): ۶۱۰- ۶۱۹.
- Mar D. (۲۰۰۵). Individual characteristics vs. city structural characteristics: explaining self-employment differences among Chinese, Japanese, and Filipinos in the United States. *The Journal of Socio-Economics*, ۳۴: ۳۴۱-۳۵۹.
- Mohapatra S., Rozelle S. and Goodhue R. (۲۰۰۷). The Rise of Self-Employment in Rural China: Development or Distress?. *World Development*, ۳۵(۱): ۱۶۳- ۱۸۱.
- Saridakis G., Marlow S. and Storey D. (۲۰۱۴). Do different factors explain male and female self-employment rates?. *Journal of Business Venturing*, ۲۹: ۳۴۵- ۳۶۲.
- Wang X., Huang J., Zhang L. and Rozelle S. (۲۰۱۱). The rise of migration and the fall of self employment in rural China's labor market. *China Economic Review*, ۲۲: ۵۷۳- ۵۸۴.
- Zhang Q. and Pan Z. (۲۰۱۲). Women's Entry into Self-employment in Urban China: The Role of Family in Creating Gendered Mobility Patterns. *World Development*, ۴۰( ۶): ۱۲۰۱-۱۲۱۲.
- Yueh L. (۲۰۰۹). Self-employment in urban China: Networking in a transition economy. *China Economic Review*, ۲۰(۳): ۴۷۱- ۴۸۴.